

کارستان هنری آقا نجفعلی*

بعقوب آزند**

استاد دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۹/۲)



چکیده

مهم‌ترین نکته‌ای که در این جستار ذهن نگارنده را به خود واداشته بود، این بود که آقا نجفعلی، نقاشباشی دربار قاجار، برخلاف تصور شماری از هنرپژوهان، برادر محمد اسماعیل اصفهانی و یا فرزند میرزا بابا اصفهانی نبود بلکه با توجه به بعضی از قراین و شواهد و بویژه سند ازدواج دخترش شهربانو ملقب به صفیه سلطان، بنظر می‌رسد که فرزند کهنتر محمدباقر، نقاش دوره زندیه و اوایل قاجاریه، بوده که نزد یکی از دوستان محمد باقر یعنی محمدصادق، هنر نقاشی لاک‌ی و تذهیب و رنگ روغن را فرا می‌گیرد. او از آنجا که پدرش محمدباقر در دربار فتح‌علیشاه کار می‌کرده، وارد امور هنری دربار می‌شود و از قرار معلوم در دوره محمدشاه به لقب نقاشباشی دست می‌یابد و کار هنری او بیشتر آثار لاک‌ی از قبیل قلمدان‌سازی و قاب آینه و غیره بوده تا اوایل دوره ناصرالدین‌شاه ادامه می‌یابد. نگارنده با توجه به سه اشاره و یا اطلاعاتی که در منابع آمده با شیوه استقرایی و امعان نظر به سه فرآیند وصف، ارزیابی و تحلیل، به بازسازی زندگی هنری او پرداخت و در پی اثبات فرضیه یاد شده برآمد و تلاش کرد تا بطور مستند به دواعی مطرح شده در فرضیه دست یابد.

واژه‌های کلیدی

آقا نجفعلی نقاشباشی، یا شاه نجف، محمدباقر، محمدحسن، محمدصادق (آقا صادق).

* این مقاله محصول یک طرح تحقیقاتی درباره "آقا نجفعلی" در دانشگاه تهران است و بدینوسیله امتنان خود را از معاونت محترم پژوهش دانشگاه تهران ابراز می‌دارم.

** تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۲۵۹۳، نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۶۱۵۰۴، E-mail: yazhand@ut.ac.ir

مقدمه

اشاراتنی به زندگی نجفعلی دارد و بعضی از ابهامات زندگی هنری او را روشن می‌سازد. این سه منبع عبارتند از: ۱- اشارات بنجامین سفیر آمریکا در ایران؛ ۲- اشارات شافیر فرنگی مقیم ایران در سال ۱۹۴۱ (۱۳۶۰ هجری قمری)؛ ۳- قبالة ازدواج شهربانو ملقب به صفیه سلطان دختر نجفعلی. اطلاعات این سه منبع را درباره نجفعلی بررسی می‌کنیم تا به نتایجی روشن درباره زندگی او برسیم. در این مقاله از روش استقرایی، یعنی رسیدن از جزئیات به کلیات با فرآیند استدلالی و تحلیلی استفاده شده و در بررسی داده‌ها و یافته‌ها، سه روند وصف، ارزیابی و تحلیل مدنظر قرار گرفته است. مواد و مصالح این پژوهش مبتنی بر آثار مکتوب، تصاویر و اسناد و کتیبه‌ها و نقش برجسته‌ها بود. شیوه نقد علمی و نظرگاه عقلانی نیز فراموش نشد.

درباره نجفعلی یا آقا نجف، نقاشباشی دربار قاجار، همچون سایر هنرمندان همعصر او، اطلاعات و داده‌های منابع اندک و نادر است. بعضی که درباره او چند سطر نگاشته‌اند، اطلاعاتی ارائه داده‌اند و محققان بعدی را به اشتباه انداخته‌اند. مثلاً سپهرم می‌نویسد که نجفعلی برادر محمد اسماعیل اصفهانی نقاش لاک‌ی و نقاشباشی دیگر دوره قاجار بود و برای گفته خود هم سندی ارائه نکرده است (۱۳۴۴، ۲۵). بعدها دیگران هم به تبعیت از او، نجفعلی را برادر محمد اسماعیل نوشته‌اند که دارای سبکی دقیق و عالی در ریزه‌کاری و دقیقه‌پردازی و پرداخت آثار لاک‌ی بود (اختیار، ۱۳۷۷، ۳۳۱-۳۳۲) و لیلا دیبا هم او را فرزند آقا بابا اصفهانی نوشته است (۱۳۷۴، ۲۲۸). بطور کلی از دوره قاجار سه منبع اصلی در دست است که

۱- اشاره اول

کریم خان زند در این راه قدم‌های بزرگی برداشت. مینیاتورهای آقا نجف در این رشته به ابعاد ۸ تا ۱۲ اینچ طول و ۵ تا ۶ اینچ بوده و در پشت قاب آینه کشیده شده است» (همان، ۲۵۶). بنجامین هنگامی که از آقا صادق و آقا زمان و آقا نجف نام می‌برد می‌نویسد که نفر آخر یعنی آقا نجف «تقریباً چهل سال قبل فوت شده بود» (همان، ۲۵۷). با احتساب تاریخ حضور بنجامین در ایران یعنی سال‌های ۱۳۰۲-۱۳۰۰ قمری، آقا نجف می‌بایست در سال‌های ۱۲۶۰ قمری چشم از جهان فرو بسته باشد. پیداست که بنجامین در مورد آقا نجف بیشتر به شنیده و گفته‌های دیگران بویژه شاگرد او محمدتقی اکتفا کرده و از وثاقت اطلاعات دور افتاده است. آنچه از نوشته بنجامین می‌توان دریافت اینست که آقانجف شاگرد آقاصادق یا محمدصادق نقاش برجسته دوره زندیه و اوایل قاجاریه بوده و در نقاشی لاک‌ی از نوع قاب آینه‌ها و قلمدان‌سازی مهارت داشته و بیشتر مضامین مذهبی و تاریخی را کار می‌کرده و از برجستگان این ژانر هنری بوده است. شاید بنجامین در اعلام اینکه آقا نجف از نقاشان برجسته دوره کریم خان بوده به تبع استاد او آقا صادق دچار سهو شده باشد، ولی در اینکه او را از نقاشان برجسته دربار فتح‌علیشاه می‌نویسد محق است.

۲- اشاره دوم

کریم زاده تبریزی از یکی از دوستان هنرشناس خود به نام منصورافشار مقیم ژنو درباره قلمدانی نقل می‌کند که وی در یکی از حراجی‌های لندن خریداری کرده بود و در داخل قلمدان، نامه‌ای یافته بود که به بعضی از احوالات زندگی نجفعلی اشاره داشت. این نامه را شخصی به نام شافیر در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۴۱ (۱۳۶۰ هجری)

بنجامین، نخستین سفیر آمریکا در ایران بود که در سال ۱۳۰۰ قمری مطابق با ۳-۱۸۸۲ میلادی وارد ایران شد و در مجموع دو سال در ایران بود. او بعدها دیده‌ها و شنیده‌ها و خاطرات خود را طی سفرنامه‌ای با عنوان ایران و ایرانیان تنظیم و تالیف کرد. با نظر اجمالی به سفرنامه بنجامین می‌توان دریافت که علاقه ویژه‌ای به هنرهای تجسمی داشته و اطلاعاتی عمده درباره این هنرهای ایران در دوره ناصرالدین‌شاه گردآوری کرده است.

وی در بازار تهران با یکی از شاگردان نجفعلی به نام محمدتقی ملاقات و زندگی بی‌آلایش و توأم با عشق او را به نقاشی وصف می‌کند. وی می‌نویسد: «می‌گفت شاگرد آقا نجف بوده است. آقا نجف نقاش مشهور در زمان فتح‌علیشاه قاجار می‌زیسته است» (بنجامین، ۱۳۶۳، ۲۴۹). وی تمامی هم و غم خود را صرف این کرده بود که خود را به پای استادش آقانجف برساند و «از قول استاد خودش می‌گفت که او هم اظهار می‌داشته است هر قدر سعی می‌کند نمی‌تواند به خوبی استادش آقا صادق، آثار هنری خلق کند» (همان).

نکته قابل توجه اینکه بنجامین در جای دیگر از سفرنامه خود معتقد است که آقا نجف از نقاشان و نگارگران معروف زمان کریم خان زند بود که قسمتی از نگاره‌ها و نقاشی‌های قاب آینه با مضامین و موضوعات مذهبی و تاریخی و دینی کشیده است (همان، ۲۵۶) و سپس او را در کنار آقا صادق و آقا زمان از استادان برجسته موضوعات مذهبی قلمداد می‌کند (همان، ۲۵۷). او از انگیزه هنرمندان ایران در کشیدن صحنه‌های مذهبی سخن می‌گوید و الگویشان را تصاویر مذهبی اروپا می‌داند که از دوره شاه عباس اول در ایران رواج یافت و «بخصوص آقا نجف در زمان

وی در هجده نگاره **شاهنامه** شاه سلیمان در کنار رقم معین مصور آمده است و پیداست که وی از شاگردان معین مصور نقاش نام آور دوره صفوی بوده است (آژند، ۱۳۸۵، ۱۸۰ و ۱۶۸) این **شاهنامه** که امروزه به نام **شاهنامه کوچران** معروف است، در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود.

قباله ازدواج در ماه رجب ۱۲۷۱ بر روی کاغذ بزرگ تنظیم و سه سطر ابتدایی آن به خط ثلث و یازده سطر متن اصلی با خط نستعلیق نوشته شده است. این سند در بردارنده بیست و یک یادداشت و بیست و یک مَهر شهود است. سر لوح سند تذهیب شده و در قاب مربع شکل آن شمسه ای با شعاع‌های ترنج گونه نقش بسته است. در حواشی سند، نام و نشان سی تن از نزدیکان و اقوام نجفعلی ثبت شده است. این سی نفر را می‌توان در چهار گروه گنجانند. گروه اول نام و نشان مقامات مذهبی هستند. گروه دوم چهار تن اصلی سند یعنی نجفعلی و دختر او و نام داماد و پدر داماد است. گروه سوم نام افراد خانواده نجفعلی است که به عنوان شاهد، سند را مهر کرده‌اند یعنی برادر نجفعلی و دو تن از فرزندان او. گروه چهارم شانزده نفرند که بیشتر از نزدیکان و یاران و دوستان نجفعلی هستند (خلیلی، ۱۳۸۶، ۲۲۳؛ کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۲، ۳، ۱۳۷۰).

اسامی گروه سوم که نام اعضای بلافصل خانواده نجفعلی آمده به قرار زیر است:

- ۱- عالی‌شان رفیع جایگاه آقا نجفعلی نقاشباشی والد مسماء مزبوره.
- ۲- عالی‌شان رفیع مکان محمد حسن عم مسماء مزبوره.
- ۳- عالی‌شان آقا محمد کاظم ولد ارجمند آقا نجفعلی اخ مسماء مزبوره.
- ۴- عالی‌شان آقا محمد جعفر اخ دیگر مسماء مزبوره (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ۳، ۱۳۷۲).

نکته قابل ملاحظه در این اسامی، نام محمد حسن و سجع مَهر اوست که به صورت «گل بوستان محمد حسن» ثبت شده است. مفهوم این سجع فارغ از معنای مذهبی آن، اشاره به پیوند پدر-فرزند وی دارد یعنی گل بوستان محمد، حسن یا «محمد حسن» است و این محمد کسی جز محمد باقر نقاش دوره زندیه و اوایل دوره قاجاریه نیست. چون از محمدباقر تصویر گلی در دست است که آن را برای فرزند خود محمدحسن کشیده است. در این تصویر رقم محمدباقر به قرار زیر است: «به جهت نور چشمی محمدحسن مشق شد. کمترین محمدباقر بن محمدعلی» (همان، ۱۳۶۹، ج ۲، ۶۶۱). محمدباقر در این رقم هم از فرزندش محمدحسن و هم از پدرش محمدعلی نام می‌برد. محمدحسن هم در سجع مَهر خود نام پدرش را گنجانده است. سراغ داریم که این نوع سجع در بین نقاشان متداول بوده است مثلاً محمدقاسم هم که فرزند محمدابراهیم بوده برای خود سجع «گل بوستان محمد قاسم» را انتخاب کرده بود (همان، ۱۳۷۰، ج ۳، ۱۰۶۱).

اگر بپذیریم که محمدحسن فرزند محمدباقر یا آقاباقر نقاش بوده، پس نجفعلی یا آقانجف نیز فرزند دیگر محمدباقر بوده که از قرار معلوم فرزند کهنتر او محسوب می‌شده است. می‌توان گفت که با ورود محمدباقر به دربار فتح علیشاه، راه برای ورود فرزندان او

به دوست خود کاپیتان کارتر نوشته و ضمن آن اعلام داشته که در زمان اقامتش در اصفهان چند قلمدان از آثار نجفعلی و فرزندان را خریداری کرده و پس از ورود به دهلی آنها را همراه این نامه برای وی فرستاده است. در نامه وی آمده بود:

«در اصفهان نقاش شناخته شده و مشهوری به نام شاه نجف بوده که آثار قلمدانی وی بسیار نادر بوده و من با تلاش زیاد یکی از کارهای وی را پیدا کرده و به مبلغ پانصد ریال خریداری نمودم که دارای امضای نقاش بوده و تاریخ ۱۸۴۵ (۱۲۶۱) را در بردارد و به پول ما حدود ۱۰ تا ۱۲ پوند می‌شود و قلمدان دیگری نیز که صحنه رزمی داشت و معلوم نبود کار کیست و ممکن بود کار همین شاه نجف یا فرزندان وی باشد. این قلمدان را نیز به مبلغ ۵۰۰ ریال خریداری نمودم. سومین قلمدان را نیز که امضای صنیع همایون و تاریخ ۱۹۰۳ (۱۳۲۰) را در بردارد خریداری نموده و برای شمارسال نمودم و بطوری که آقای صنیع زاده، شخصی که از نواده‌های نقاش به شمار می‌آمد، می‌گفت مشخصات فامیلی شاه نجف چنین است:

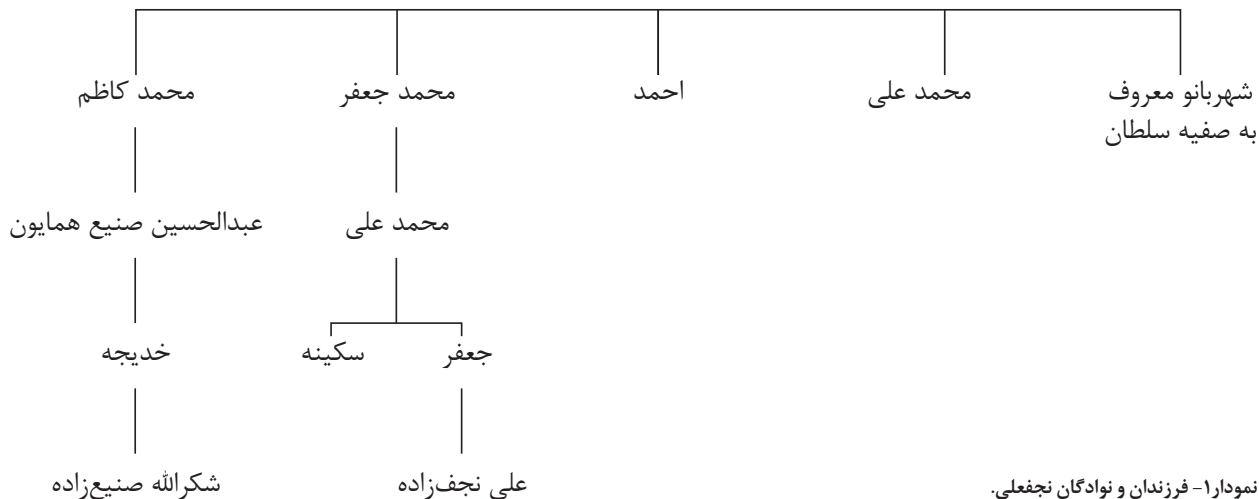
- ۱- شاه نجف در سن هفتاد سالگی و به سال ۱۸۶۵ (۱۲۸۱) فوت نموده است. از این نقاش سه فرزند مانده به نام‌های کاظم، جعفر و احمد.
- ۲- کاظم پسری داشته به نام صنیع همایون که در سال ۱۹۲۵ (۱۳۴۳) وفات یافته و دختر وی خانم خدیجه بوده که او مادر شکرالله صنیع زاده است.
- ۳- جعفر پسری داشته به نام میرزا محمدعلی و میرزا محمدعلی نیز یک پسر به نام جعفر و یک دختر به نام سکینه داشت که با عبدالله نامی ازدواج کرده بوده است. جعفر نیز یک پسر به نام علی نجف زاده داشت که نوه جعفر پسر دوم آقا نجف می‌باشد.
- ۴- احمد پسر سوم شاه نجف (اطلاعاتی درباره وی نداده است)» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ۳، ۱۳۷۵).

شاید مهم‌ترین نکته این نامه درباره نجفعلی، شمار فرزندان و میزان سن او در هنگام فوت بوده باشد. بنظر می‌رسد سال مرگ او در این نامه یک سال تقریبی است که از زبان یکی از نوادگان او حدود چهل و پنجاه سال بعد ابراز شده است. پس نمی‌توان آن را سال قطعی فوت او به حساب آورد و شاید چند سال با سال فوت واقعی او تفاوت داشته باشد. اما اسامی فرزندان و نوادگان او که در این نامه آمده، در مقایسه با سایر منابع بویژه سند قباله ازدواج دختر نجفعلی صحیح است و با آنها همخوانی دارد جز احمد که ظاهراً می‌باید فرزند آخری او بوده باشد که در زمان تنظیم سند یاد شده در سنین کودکی بوده است. از نامه یاد شده میزان شهرت و ناموری آقا نجف حتی پس از گذشت نیم قرن از مرگ وی، کاملاً پیداست و آثارش به قیمت گزافی به فروش می‌رفته است.

۳- اشاره سوم

سومین اشاره درباره نجفعلی که بعضی از موارد زندگی او را کاملاً روشن می‌کند، سند قباله ازدواج دختر او شهربانو ملقب به صفیه سلطان با آقا ابوالحسن فرزند مرحوم آقا فضل‌علی نقاش است. این فضل‌علی نقاش می‌باید همان نقاشی بوده باشد که رقم

نجفعلی (آقا نجف)



فرزندان آقانجفعلی

از سه سندی که درباره نجفعلی یاد شد، دو سند درباره فرزندان او نیز مطالبی نوشته اند. در نامه شافیر، از سه فرزند نجفعلی یاد شده به نام‌های کاظم، جعفر و احمد. کاظم پسری داشته به نام صنیع همایون که در سال ۱۳۴۳ قمری (۱۹۲۵ م.) در گذشته و وی دختری به نام خدیجه داشته که مادر شکرالله صنیع زاده بوده است. جعفر هم فرزندی به نام محمدعلی داشته و محمدعلی هم صاحب یک پسر به نام جعفر و یک دختر به نام سکینه بود که با شخصی به نام عبدالله ازدواج می‌کند. جعفر پسری به نام علی نجف زاده داشت که در واقع نوه جعفر فرزند دوم نجفعلی بود (کریم زاده، ۱۳۷۰، ج ۳، ۱۳۷۵).

در قباله از دواج دختر نجفعلی هم تنها نام محمد کاظم و محمد جعفر فرزندان او ثبت شده است. نجفعلی به غیر از این دو پسر، دو فرزند ذکور دیگر هم داشته که یکی احمد و دیگر محمدعلی بوده است. احمد در بعضی از آثار خود از رقم «احمد بن نجفعلی» استفاده کرده است. محمد علی آخرین پسر نجفعلی هم دست کم در هفت اثر خود از رقم «محمد علی بن آقا نجف» بهره جسته است (همان، ۱۳۷۰، ج ۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵). با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان فرزندان و نوادگان نجفعلی را در نمودار ۱ نشان داد. فرزندان نجفعلی همچون پدرشان به کار نقاشی از نوع لاکی مشغول بوده اند و امروزه شماری از آثار آنها در مجموعه‌های خصوصی و موزه‌ها محفوظ است.

رقم و لقب آقانجفعلی

نجفعلی در رقم خود همچون برادرش محمدحسن که از رقم «یا امام حسن» و یا پدرش محمدباقر که از رقم «یا محمدباقر» استفاده می‌کردند، از رقم «یا شاه نجف» بهره می‌جست که هم در بردارنده یک

به دربار قاجار نیز هموار شده است. آثاری از محمدباقر در دست است که برای فتح علیشاه کار کرده و نیز یکی از القاب محمدحسن که کارخانه آثار لاکی در اصفهان داشته «نقاش فتح علیشاهی» بوده است (همان، ۱۳۶۹، ج ۲، ۶۸۹ و ۶۹۱). نجفعلی با آقانجف هم بعدها به لقب نقاشباشی دربار قاجار نایل می‌شود.

در گروه چهارم، اسامی شانزده نفر به عنوان شاهد عقد ثبت شده است. این اسامی در بردارنده دوستان و آشنایان و همکاران نجفعلی است. پیداست که بعضی از این افراد از نقاشان مطرح روزگار بوده‌اند و یا پیشه آنها با نقاشی ارتباط داشته است. از این افراد نام آقا محمدحسین صباغ (رنگرز)، آقا محمدجواد فرزند آقا محمدصادق (نقاش) آقا محمدمهدی صباغ (باز هم رنگرز)، آقا محمداسماعیل فرزند آقابابا نقاش، آقا محمدقاسم نقاش فرزند حاج آقا محمدابراهیم، آقا حیدرعلی فرزند مرحوم آقا محمداسماعیل و آقا محمدعلی فرزند مرحوم آقا فضل علی (نقاش) یاد کردنی است و بقیه افراد بیشتر وابسته به صنوف مختلف بازار هستند. نکته گفتنی در این اسامی، ذکر نام محمداسماعیل، نقاش نام آور این دوره است که فرزند آقابابا نقاش (از نقاشان دربار فتح علیشاه) بوده است. بعضی او را برادر نجفعلی قلمداد کرده‌اند (سپهرم، ۱۳۴۴، ۲۵؛ اختیار، ۱۳۷۷، ۳۲-۳۳)، در حالیکه در این سند نام پدر او با صراحت آقا بابا نقاش آمده است. رابینسن هم با فرض اینکه نجفعلی فرزند آقا بابا بوده، محمداسماعیل را برادر کوچک‌تر نجفعلی قلمداد کرده است (رابینسن، ۱۳۷۹، ۳۵۵ و ۳۵۶). حال آنکه طبق سند قباله از دواج، محمداسماعیل هیچگونه پیوند نسبی با نجفعلی نداشته و فرزند میرزا آقا بابا نقاش دربار فتح علیشاه بوده است (در مورد او نگاه کنید به آژند، ۱۳۹۰، ج ۲، ۷۸۳). گفتنی است که به غیر از این سه منبع، فریدریش روزن سفیر آلمان نیز در کتاب خود یادی از نجفعلی می‌کند و او را از نقاشان برجسته نگارگری ایران می‌داند که دو اثر از او حاوی تاریخ ۱۲۶۶ قمری را در مجموعه خود داشت (روزن، ۱۹۲۶، ۶۴؛ فلور، ۱۳۸۱، ۴۹).

و صندوقچه و نقاشی‌های لاک‌ی دیگر وجود دارد که در کارگاه میرزا محمد تقی مذهب کار شده است (آدامووا، ۱۳۸۶، ۲۹۶ تا ۳۰۰).

با اینکه در باب شاگردی فرزندان نجفعلی در نزد پدرشان مطالبی موجود نیست ولی به قرینه می‌توان دریافت که آنها در نزد پدرشان، تذهیب و نقاشی لاک‌ی و رنگ روغن و آبرنگ و غیره را فراگرفته‌اند و بعدها در دربار قاجار و نیز جامعه هنری تهران و اصفهان بکار پرداخته‌اند. مثلاً از محمد کاظم فرزند بزرگ نجفعلی، جلد کتابی در دست است که روی آن با نقاشی لاک‌ی تصویر صاحب دیوان صدر اعظم ناصرالدین‌شاه و شاعر دربار وی با تخلص ساغر نقش بسته و در رقم آن آمده: «عمل کاظم بن نجفعلی ۱۲۹۶» (همان، ۲۸۸).

آثار آقانجفعلی

سبک نقاشی نجفعلی را می‌توان در چارچوب اسلوب فرنگی‌سازی ارزیابی کرد که از قرن یازدهم هجری در ایران پدید آمد و در دوره افشاریه و زندیه و اوایل قاجاریه رشدی درخور یافت. نقاشان سده دوازدهم هجری بویژه از این سبک بر روی قلمدان‌ها و قاب آینه‌ها و جلد‌های کتاب‌ها و مجری‌ها و صندوقچه بهره جستند و از مضامین اروپایی و چهره‌های زن و مرد فرنگی و بخصوص شخصیت‌های مذهبی مسیحی استفاده کردند. نجفعلی در این زمینه گوی سبقت‌را از همگان ربود و از این سبک و شیوه بر آثار هنری از نوع قلمدان‌ها و قاب آینه‌ها بهره‌ها گرفت. اما نجفعلی همچون پدرش محمدباقر، کار خود را منحصر به این نوع آثار نکرد، بلکه قریحه‌اش را در نقاشی‌های رنگ روغن روی بوم و حتی نقاشی آبرنگ آزمود و آثاری استادانه از خود به یادگار گذاشت. عمده آثار او در نقاشی لاک‌ی بر روی قلمدان‌ها و قاب آینه‌ها بود. در این مقام به معرفی بعضی از آثار او در این حوزه می‌پردازیم.

قلمدان نگاری

قدیم‌ترین قلمدانی که از نجفعلی شناخته شده، در بردارنده رقم «یا شاه نجف» و تاریخ ۱۲۲۷ هجری است. در رویه و کناره‌های این قلمدان، آب تنی و استحمام شاهزاده خانمی همراه با ندیمه‌هایش به شیوه فرنگی نقش بسته است. در شمشه فوقانی این قلمدان هم رقم «یا شاه نجف ۱۲۲۷» ثبت شده است. این قلمدان امروزه جزو مجموعه خصوصی محمدعلی کریم زاده تبریزی است.

از شمار تصاویر فرنگی که بدست نجفعلی کار شده، پیداست که وی علاقه خاصی به شخصیت مذهبی یوحنا داشته است چون تصویر این شخصیت را بارها بر روی قلمدان‌ها و قاب آینه‌ها نقش زده است. از جمله آنها قلمدانی است که وی آن را با رقم «یا شاه نجف ۱۲۶۲» کار کرده و یوحنا را در حالت دعا و یک حالت روحانی که رو به سوی آسمان دوخته، تصویرپردازی کرده است. در پس‌زمینه و پیش‌زمینه این تصاویر، مناظری از درختان و مسجد دو گنبدی و بناهای دیگر دیده می‌شود. این قلمدان در ۲۳ نوامبر ۱۹۷۶ در حراج ساتبی لندن به فروش رفته است (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ج ۳، ۱۳۷۸).

یک قلمدان دیگر که در آن جمع مهرویان نقش بسته و پیری

مفهوم مذهبی بود و هم‌اینکه به نام خودش اشاره داشت. این نوع رقم‌زنی‌ها تقریباً از اواسط دوره صفوی که آثار نقاشان در بین عامه مردم رواج پیدا کرد و می‌باید از اقبال عمومی برخوردار می‌شد، متداول گردید که علاوه بر مفهوم مذهبی، گاهی اشاره به نام استاد و یا نام خود هنرمند داشت. بهره‌گیری این نوع رقم‌زنی در زمان افشاریه و زندیه و اوایل قاجار بسیار رواج یافت و در روزگار ناصرالدین‌شاه به تدریج افول کرد. چنین می‌نماید که نجفعلی در دربار محمدشاه قاجار به دریافت لقب نقاشباشی نایل شده است ولی تاریخ دریافت این لقب چندان روشن نیست، می‌دانیم که نجفعلی از محمدشاه یک تصویر رنگ روغن به اندازه حدود $۱/۵ \times ۲/۵$ متر کشیده و در آن عبارت «السلطان محمد شاه غازی خلدالله مکه ۱۲۶۱» و رقم «رقم کمترین نجفعلی» استفاده کرده است (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ج ۳، ۱۳۸۱). پیداست که نجفعلی پیش از سال ۱۲۶۱ قمری به دریافت لقب نقاشباشی نایل شده است و بعید نیست این لقب را در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه هم نگه داشته باشد.

استادان و شاگردان آقانجفعلی

با اینکه در منابع اشاره مستقیمی به استادان نجفعلی نشده، ولی می‌توان با مراجعه به نظام استاد-شاگردی این دوره به نتایجی دست یافت. در این دوره، آموزش هنر، یک آموزش بسته و در اختیار خانواده‌های هنرمندان بود که معمولاً اصول هنری و فنون و شگردهای آن را به فرزندان خود و یا افراد معتمد که البته دستی در هنرها داشتند، تعلیم می‌دادند. با یک نظر توان دریافت که نجفعلی یا در نزد پدرش محمدباقر و یا در نزد محمدصادق از همدوره‌ها و دوست و رفیق پدرش محمد باقر تعلیم دیده است.

محمدباقر در نقاشی لاک‌ی بویژه قلمدان نگاری و نقاشی قاب آینه و جلد و غیره تبحر داشت و آثار بازمانده از او گواهی بر این گفته است. محمدصادق هم علاوه بر نقاشی لاک‌ی در انواع نقاشی دیگر از جمله نقاشی روی بوم و نقاشی دیواری صاحب مهارت بوده و می‌توانسته فنون آن را به امثال نجفعلی منتقل سازد. بویژه که از محتوای کلام بنجامین (که از زبان شاگرد نجفعلی نقل می‌کند) درمی‌یابیم که نجفعلی از شاگردان محمدصادق در زمینه نقاشی دیواری و یا نقاشی روی بوم بوده است. سایر فنون و بویژه فن تذهیب و خصوصیات ریزه کاری نقاشی لاک‌ی را می‌توانست از پدر خود محمدباقر و یا محمدهادی دوست و همدوره دیگر پدرش، فراگیرد. از اطلاعاتی که بنجامین درباره نقاشی به نام محمدتقی ارائه می‌دهد درمی‌یابیم که وی از شاگردان نجفعلی بوده است (همان). محمدتقی در تذهیب و نگارگری متبحر بود و در کارهای لاک‌ی نیز دست داشت و به قول بنجامین طرح‌های تذهیب محمد تقی «بسیار عالی و در عین حال کاملاً متنوع بود و انسان را به یک دنیای رویایی فرو می‌برد. رنگ آمیزی‌ها فوق‌العاده زیبا و هماهنگ بود» (همان). بنجامین می‌نویسد که محمدتقی علاوه بر تذهیب در نقاشی رنگ روغن هم استاد بود و با سرعت و چابکی حیرت‌آوری کارهای خود را اجرا می‌کرد. در موزه آرمیتاژ چند قلمدان و محفظه کتاب و جعبه

جنگی زیبایی به خود گرفته است. در طرف راست سربازان روس با باروبنه و آرایش جنگی و در طرف چپ نیز سربازان ترک با توپ و تفنگ و غیره دیده می‌شود. در دوردست افق هم دارو درخت و عمارات و برج‌ها به چشم می‌خورد. در حواشی قلمدان نیز صحنه‌های درگیری سربازان نقش بسته است و در رقم آن آمده: «جنگ رومی با روس، یا شاه نجف فی سنه ۱۲۷۴، اربع و سبعین و مأتین بعد الف ۱۲۷۴» (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ج ۳، ۱۳۸۰).

قاب آینه

از قاب‌های آینه نجفعلی چند اثر شناخته شده است. کریم‌زاده تبریزی دست کم دو تا از آنها نام می‌برد که با شیوه فرنگی‌سازی و مضامین فرنگی کار شده است. یکی قاب آینه‌ای بود که تصویر داستان شیخ صنعان و دختر ترسا در آن نقش بسته بود و رقم «یا شاه نجف ۱۲۷۰» را داشت. در این قاب آینه علاوه بر داستان شیخ صنعان و دختر ترسا، تصاویری از شکار چپان شیر و نقوش گل و مرغ و پیکره‌های فرنگی تصویر شده بود (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ج ۳، ۱۳۷۹). در قاب آینه دیگری از نجفعلی که در حراجی ساتبی لندن به تاریخ آوریل ۱۹۸۰ فروخته شد، تصویر زن و مرد جوانی که سوار درشکه‌ای بودند، دیده می‌شود. در این تصویر علاوه بر پیکره‌ها، تصاویر زیبایی درختان و باغات و عمارات و پل روی رودخانه به چشم می‌خورد. نجفعلی این قاب آینه را برای سهام‌الملک کار کرده بود چون در قاب فوقانی و تحتانی آن عبارت «برحسب فرمایش بندگان پناهی مقرب الخاقان سهام الملک مصور و منقش گردید شهر رجب ۱۲۷۴» و نیز رقم «یا شاه نجف» ثبت شده بود (همان، ۱۳۸۰).

در قاب آینه درباری که ناصر خلیلی آن را به نجفعلی منسوب کرده، اعضای خانواده مقدسی تصویرپردازی شده در حالی که فرشتگان از آنها محافظت می‌کنند. فضا بندی تابلو، فضا بندی‌های تابلوهای مذهبی مسیحی اروپا را در ذهن می‌گنجاند. دو پیر مرد کهنسال و چند پیکره جوان در پیش‌زمینه دیده می‌شوند و در میانه متمایل به سمت راست تصویرزنی کودک در بغل با جامه قرن هفدهم میلادی تصویر شده و پیکره‌های دیگر در پشت سر و روبروی او در چارچوب آکنده از منظره و دارو درخت و عمارت قرار گرفته‌اند. رنگبندی این تابلو با رنگ‌های گرم و تزیینی صورت گرفته است (خلیلی، ۱۳۸۶، ۲۳۳).

قاب آینه دیگری که در مجموعه ناصر خلیلی و با رقم «شاه نجف» وجود دارد، طبق کتیبه آن به دستور «عالیجناب جلال‌التمدار میرزا حسن خان دام جلاله العالی» ساخته شده است. این میرزا حسن به احتمال زیاد برادر کهنتر میرزا تقی خان امیر کبیر بوده که عنوان وزیر نظام داشته است. نکته قابل توجه در تصویرپردازی این آینه دربار، بهره‌گیری نجفعلی از داستان‌های هفت پیکر نظامی یعنی بهرام گور در گندهای هفت گانه است. درب بیرونی در یک ترکیب بندی سه بخشی صورت گرفته که در بخش فوقانی بهرام همراه ملکه و ندیمان نشسته و در حال عیش و نوش است و در بخش میانی پیکره زنی با لباس فرنگی و دو پیکره در قاب‌های طرفین دیده می‌شود و در بخش تحتانی نیز بهرام و ملکه و ندیمان نقش بسته‌اند. درب داخلی آینه هم

فرزانه نیز در جمع آنها جا خوش کرده، دربردارنده رقم «یا شاه نجف ۱۲۶۵» است. این قلمدان نگاری نیز با سبک فرنگی‌سازی صورت گرفته و تمامی زنان دارای جامه‌های فرنگی و فضا بندی آن نیز فرنگی است (همان، ۱۳۷۹). بر روی قلمدانی دیگر که آن را در سال ۱۲۶۸ قمری کار کرده، شماری از پیکره‌ها تصویرپردازی شده است. پیر فرزانه‌ای در گوشه‌ای نشسته و به درختی تکیه داده و روبروی او دو پیکره زن و مرد که در وسط آنها پیر روحانی دیگری قرار گرفته دیده می‌شوند و پشت سر آنها مهتری در حال مهار کردن اسبی است و در کنار اسب هم پیکره دو زن به چشم می‌خورد که ظاهراً شاهزاده خانم و ندیمه او هستند. پشت به پشت پیر فرزانه، مردی دست به بغل چمباتمه نشسته و در بالای سر او رقم «یا شاه نجف ۱۲۶۸» دیده می‌شود. این تصویر، گویی تصویر خود نجفعلی بوده باشد. در رویه دیگر قلمدان باز پیکره‌های متعددی نقش خورده با پیکره جوانی که در حال گوش دادن به حرف‌های پیری فرزانه است و مهتری که در حال مهار کردن اسب است و یک جوان سواره به او می‌نگرد و در گوشه سمت راست نیز پیکره‌ای نشسته کتابی را در دست دارد که باز شاید تصویر خود نجفعلی باشد. تمامی این صحنه‌ها به زیبایی تمام و بسیار چشم نواز تصویرپردازی شده است (خلیلی، ۱۳۸۶، تصویر ۹۸).

قلمدان دیگری که کریم زاده تبریزی از آن یاد می‌کند و جزو مجموعه خصوصی او نیز هست، قلمدانی است با تصویر یوحنا همراه با پیرمردی که پشت سر او قرار گرفته است. در شمسه فوقانی آن مناظری از عمارت و پل‌های قدیمی با درختان بلند و در شمسه تحتانی آن هم جوانی در زیر درختی تناور با توله سگی دیده می‌شود و در حواشی قلمدان هم تصاویری از شیخ صنعان و دختر ترسا و مریم و مسیح و مناظر شکار همراه با رقم «یا شاه نجف ۱۲۷۱» نقش بسته است (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ج ۳، ۱۳۷۹).

در مجموعه ناصر خلیلی، مجموعه‌ای از قلمدان‌ها وجود دارد که دربردارنده رقم «یا شاه نجف» با تواریخ گوناگون است. بر روی این قلمدان‌ها، تصاویر زیبایی از زنان فرنگی در حالات گوناگون و در یک فضای طبیعی پر از گل و گیاه و دار و درخت و گاه عماراتی در دور دست است. در حواشی این قلمدان‌ها هم تصاویر شکار و سوارگان و چهره زنان در داخل قاب‌های طرفین قلمدان و حتی تصویر چوپانی همراه گله و سگ نگهبان دیده می‌شود. نجفعلی در تصویرپردازی چوپان و صحنه گله نهایت تلاش خود را انجام داده تا آنها را به فضای روستا و روستانشینان نزدیک سازد. بر روی یکی از این قلمدان‌ها رقم «یا شاه نجف ۱۲۷۰» نقش بسته است (خلیلی، ۱۳۸۶، ۲۲۸ و ۲۲۹).

آنچه در قلمدان نگاری‌های نجفعلی بیش از هر چیز چشمگیر است، ازدحام پیکره‌های ریز و درشت در فضاهای مختلف طبیعی است و بیشتر این پیکره‌ها، چه مرد و چه زن، از فرهنگ اروپا و از مضامین مذهبی و اجتماعی آنها الهام گرفته است. در قلمدان نگاری‌های نجفعلی، از گل و مرغ‌های زیبای هنرمندان پیشین کمتر دیده می‌شود. جز اینکه در فضاهای طبیعی، آن هم به صورت نامحسوس و نه چندان مهم و تنها از برای تزیین طبیعت، گاهی گل و بته‌ها و درختان شکوفان به چشم می‌خورد. در یکی از قلمدان‌های او، صحنه جنگ ترکان و روس‌ها تصویر شده و آرایش

محمدشاه و نشست بر روی صندلی با اندازه $1/5 \times 2/5$ متر است. در این تابلو، محمد شاه تاجی مرصع بر سر نهاده و لباسی ساده به رنگ بنفش متمایل به سبز پوشیده و شمشیر خود را روی دو پا گذاشته و قمه‌ای مرصع به کمر نصب کرده و کفش‌های نعلین مانند پوشیده است. در پس‌زمینه ایوانی که با پرده‌هایی قرمز رنگ کشیده شده، دیده می‌شود. در طرف چپ صورت محمدشاه، در داخل ترنجی زیبا به خط نستعلیق آمده است: «السلطان محمد شاه غازی خلد الله ملکه ۱۲۶۱» و در بخش تحتانی سمت چپ تابلو هم «رقم کمترین نجفعلی» ثبت شده بود. در حواشی تصویر و در میان کتیبه‌های باریک مستطیل شکل، اشعاری با خط نستعلیق در مدح محمد شاه نقش بسته است (همان، ج ۳، ۱۳۸۱). اثری دیگر از نجفعلی، تصویر زنی زیبا و درازکشیده و لمبیده بر متکایی است که در بالای تصویر یک بیت شعر با خط نستعلیق نقش بسته است: دلبری فتنه‌گری حکم به تسخیرم کرد/ دست بر زلف زد و پای به زنجیرم کرد. در بین ترنجی هم رقم نقاش به صورت «یا شاه نجف» آمده است. کریم زاده تبریزی از یک اثر دیگر نجفعلی صحبت می‌کند که تصویر لبخند ژوکوند داوینچی را تداعی می‌کند و در مجموعه او قرار دارد (همان، ج ۳، ۸۱-۱۳۸۰).

به گونه مشابه در سه بخش تصویر پردازی شده، منتهی داستان آن در گنبد مشکفام اتفاق می‌افتد (همان، ۲۳۷). این قاب آینه در حراجی ساتبی لندن به تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۷۷ به فروش رفت. قاب آینه دیگری از نجفعلی در موزه نگارستان تهران موجود است که برای میرزا محمد زکی وزیر اصفهان کار کرده است (آدامووا، ۱۳۸۶، ۲۵۴).

آثار دیگر

نجفعلی در فن آبرنگ و رنگ روغن نیز مهارت خود را دست کم در دو اثر بازمانده از وی، نشان داده است. از آبرنگ‌های او تصویر محمد حسین خان صاحب اختیار است با کلاه بوقی عهد قاجار و ریش و سبیل توبی و ردایی بلند و نیز کلیچه بته جقه‌ای زیبا. در ترنجی فوقانی با خطی زیبا و نستعلیق آمده: «شبیبه مبارک محمد حسین خان صاحب اختیار، سنه ۱۲۶۳» و در پایین تصویر رقم نجفعلی به صورت «رقم کمترین نجفعلی» آمده است. این تصویر آبرنگی در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۶ در حراجی ساتبی لندن به فروش رسید (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ج ۳، ۱۳۷۹).

یک اثر رنگ روغن بازمانده از نجفعلی، تابلویی تمام قد از



تصویر ۲- قباله از دواج دختر آقا نجفعلی.



تصویر ۳- مهر محمد حسن برادر آقا نجفعلی با رقم «گل بوستان محمد حسن».



تصویر ۱- رویه داخلی قاب آینه با رقم یا شاه نجف. ماخذ: (مجموعه ناصر خلیلی، لندن)



تصویر ۴- قلمدان با رقم یا شاه نجف. ماخذ: (مجموعه ناصر خلیلی، لندن)



تصویر ۵- بزرگنمایی طرح قلمدان.



تصویر ۶- رویه فوقانی و جانبی قلمدان، با رقم یا شاه نجف.
ماخذ: (مجموعه ناصر خلیلی، لندن)



تصویر ۷- قلمدانی از آقا نجفعلی با رقم یا شاه نجف.
ماخذ: (مجموعه ناصر خلیلی، لندن)



تصویر ۸- قلمدانی از آقا نجفعلی با رقم یا شاه نجف.
ماخذ: (مجموعه ناصر خلیلی، لندن)



تصویر ۱۰- قلمدانی از آقا نجفعلی با رقم یا شاه نجف.
ماخذ: (مجموعه ناصر خلیلی، لندن)



تصویر ۱۲- قلمدانی از آقا نجفعلی با رقم یا شاه نجف.
ماخذ: (مجموعه ناصر خلیلی، لندن)



تصویر ۹- قلمدانی از آقا نجفعلی با رقم یا شاه نجف.
ماخذ: (مجموعه ناصر خلیلی، لندن)



تصویر ۱۱- قلمدانی از آقا نجفعلی با رقم یا شاه نجف.
ماخذ: (مجموعه ناصر خلیلی، لندن)

نتیجه

نجف» امضا می کرده است. این رقم جدا از مفهوم مذهبی آن به نام خود آقا نجفعلی اشاره دارد. بیشتر هنرمندان دوره افشاریه و زندیه و اوایل قاجاریه از رقم‌هایی استفاده می کردند که هم در بردارنده یک مفهوم مذهبی و هم حاوی نام و نشان خود و یا پدر و استادش بوده است. این نوع رقم‌ها بر مقبولیت آثار آنها در جامعه می افزود. از اینها گذشته به نظر می رسد که آقا نجفعلی در آثار درباری خود از رقم «کمترین آقا نجف» استفاده می کرده است.

از آنجا که آقا نجفعلی زاده و پرورده شهر اصفهان بوده، گویا بیشترین فعالیت هنری خود را در زادگاهش انجام می داده و شاید گاهی هم برای انجام و اجرای پروژه‌های دربار قاجار به تهران سفر می کرده است. از بعضی شواهد پیداست که بویژه پس از دریافت لقب نقاشباشی، فعالیت خود را در تهران متمرکز کرده است.

آقا نجفعلی در انتخاب موضوعات و مضامین آثارش، بویژه روی قلمدان‌ها و قاب آینه‌ها، همچون جد اعلایش علیقلی بیگ جبار، از موضوعات و الگوهای فرنگی و مسیحی استفاده کرده و گاهی نیز با یک رویکرد جدید، مضامین هفت پیکر نظامی را دستمایه آثارش قرار داده است. آنچه که از آثار بازمانده آقا نجفعلی به دیده می آید، غلبه مضامین فرنگی بر روی قلمدان‌ها و قاب آینه‌های اوست که با رویکردی رمانتیک‌وار کار شده است. از این آثار پیداست که آقا نجفعلی علاوه بر نقاشی لاک، در تذهیب و خوشنویسی نیز تبحر داشته است. وی گویا نقاشی رنگ روغن را در نزد محمدصادق (آقا صادق) فراگرفت چون سبک و سیاق محمدصادق در بعضی از آثار رنگ روغن او نمایان است.

کاربرد رنگ‌های شاد، ترکیب بندی‌های مملو از پیکره‌ها و مناظر و مرایا از خصوصیات اصلی آثار بازمانده اوست. آقا نجفعلی چندان به گل و مرغ سازی علاقه نشان نداده جز اینکه آنها را در

در این جستار تلاش شد تا با مراجعه به سه سند بازمانده از دوره قاجار، زندگی هنری آقا نجفعلی، نقاشباشی دربار قاجار، بازسازی شود. بنظر می رسد که آقا نجفعلی فرزند کهتر محمدباقر یا آقاباقر، نقاش دوره افشاریه و زندیه و اوایل دوره قاجاریه، بوده باشد. آقا باقر یا محمدباقر هم طبق اسناد و شواهد موجود، فرزند محمدعلی بیگ نقاشباشی نادرشاه و شاه طهماسب دوم صفوی بود و خود محمد علی بیگ هم فرزند ابدال بیگ بن علیقلی جباردار، نقاش فرنگی ساز دوره شاه عباس دوم، محسوب می شد. پیداست که حرفه نقاشی یا نقاشباشی گری در خانواده علیقلی بیگ جباردار تداوم یافته و از فرزندی به فرزندی دیگر رسیده، تا اینکه از این خانواده، آقا نجفعلی منصب نقاشباشی دربار قاجار را از آن خود کرده است.

از شواهد و قراین پیداست که آقا نجفعلی فرزند کهتر محمدباقر بوده که در نزد محمدصادق یا آقاصادق (همدوره محمد باقر)، تعلیم نقاشی دیده است و بیراه نیست که از محضر پدرش محمدباقر هم بهره‌ها گرفته باشد. طوریکه در نقاشی لاک و آبرنگ و رنگ روغن مهارت یافته و بویژه در تذهیب و خوشنویسی و نقاشی روی قلمدان و قاب آینه و صندوقچه‌ها و غیره (همچون پدرش) متبحر شده و توسط پدرش محمدباقر به دربار فتح علیشاه راه یافته است. او و برادرش محمدحسن آثار قابل ملاحظه‌ای از نقاشی‌های لاک را برای دربار فتح علیشاه تولید کرده اند. آقا نجفعلی بعدها در زمان محمد شاه به لقب نقاشباشی دربار نایل شده است. چند پیکره بازمانده از درباریان محمدشاه و بویژه پیکره خود محمدشاه حاکی از حضور فعال وی در دربار قاجار بوده است.

آقا نجفعلی، همچون پدرش محمدباقر، در رقم خود از یک مفهوم مذهبی بهره می گرفته و بیشتر آثار خود را با رقم «یا شاه

احمد از جمله آنها هستند. پیداست سنت هنر نقاشی همچنان در خانواده او تداوم یافته و تا اواخر دوره قاجاریه کشیده شده است. از سند قباله ازدواج دختر وی که امروزه در دست است کاملاً این نکته روشن می‌شود که خانواده‌های هنرمند ایرانی، دارای ازدواج‌های درون‌گروهی بوده‌اند و بدین ترتیب موجبات تداوم موروثی هنرها را در خانواده‌شان فراهم می‌ساختند و از موهبات اقتصادی آن نیز بهره‌مند می‌شدند.

لابلای مناظر و دورنماهای دلنشین آثارش قرار داده است. پیداست که آقا نجفعلی پرسپکتیو را به گونه تجربی از آثار فرنگی فرا گرفته و در بعضی از آثارش آن را با خامدستی بکار بسته است. سبک کاری او در حد فاصل فرنگی‌سازی و فنون نگارگری ایرانی قرار دارد و در حقیقت آمیزه‌ای از این دو فن با گرایش شدید به فرنگی‌سازی است. از آقا نجفعلی چندین فرزند باقی مانده که هر کدام در جای خود از نقاشان صاحب نام زمانه خود شده‌اند. محمد کاظم و

پی‌نوشت‌ها

خلیلی، ناصر (۱۳۸۶)، کارهای لاک، ترجمه سودابه رفیعی سخایی، کارنگ، تهران.
 دیبا، لیلا و دیگران (۱۳۷۴)، هنرهای ایران، زیر نظر فریه، ترجمه پرویز مرزبان، فرزانه روز، تهران.
 رابینسن و دیگران (۱۳۷۹)، اوجهای درخشان در هنر ایران، ترجمه روئین پاکباز و هرمز عبدالهی، آگه، تهران.
 سپهرم، امیر مسعود (۱۳۴۶)، آثار نجف علی اصفهانی، قلمدان ساز، هنر و مردم، شماره ۳۱، ص ۵.
 فلور، ویلم و دیگران (۱۳۸۱)، نقاشی و نقاشان دوره قاجار، ترجمه یعقوب آژند، ایلشاب، تهران.
 کریم زاده تبریزی (۱۳۵۴)، آقا نجف نقاشی اصفهانی، هنر و مردم، شماره ۱۵۹ و ۱۶۰، صص ۹۳-۸۸.
 کریم زاده تبریزی (۱۳۷۰)، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، جلد سوم، لندن؛ ۱۳۶۹، جلد دوم.

Rosen, F(1926), *Persien*, Lipzig.

- 1 C.M. Schaffier.
- 2 Carter.
- 3 F. Rosen.

فهرست منابع

آدامووا (۱۳۸۶)، نگاره‌های ایرانی گنجینه ارمیتاژ، ترجمه زهره فیضی، فرهنگستان هنر، تهران.
 آژند، یعقوب (۱۳۸۵)، مکتب نگارگری اصفهان، فرهنگستان هنر، تهران.
 آژند، یعقوب (۱۳۸۹)، نگارگری ایران، ج ۲، سمت، تهران.
 اختیار، مریم و دیگران (۱۳۸۱)، نقاشی و نقاشان دوره قاجار، ترجمه یعقوب آژند، ایلشاب، تهران.
 اختیار، مریم و دیگران (۱۳۷۷)، دوازده رخ، ترجمه یعقوب آژند، مولی، تهران.
 بنجامین (۱۳۶۳)، ایران و ایرانیان، ترجمه حسین کردبچه، جاودان، تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی